

« و زحماتی که آن اعلیحضرت دچار شده است همانا نتیجه ضعف صدر اعظم و طرف «
 « داری اوست از ملت . فردای آنروز مشیر الدوله از تهران بعمارت بیلاقی خود «
 « حرکت کرده و خیال دارد پس از چندی عازم اروپا شود پسر ارشدش ملقب به «
 « مشیر الملک ازین ببعید سفیر پترزبورغ نخواهد بود و همراه پدر خویش که «
 « محترماً نفی بلد میشود خواهد رفت . و موتمن الملک دومین پسرش در تهران توقف «
 « خواهد نمود . »

« کابینه جدید وزرا مرکب است از هشت وزیر که سه نفر از آنها یعنی «
 « فرمانفرما و وزیر همایون و مخبر السلطنه برادر رئیس مجلس که با امین السلطان «
 « دوره دنیا را مسافرت نموده است بتازگی برتبه وزارت نائل شده اند . روز بیست و «
 « یکم وزرای جدید بمجلس آمده معرفی شدند . وزیر داخله دستخط شاه را که «
 « متضمن بود تعیین و تشخیص ادارات و قرار داد کلیه انتظامات مملکتی را در تحت ریاست «
 « هشت وزیر مسئول ذیل قرائت کرد . »

فرمانفرما	« وزیر عدلیه »
علاء السلطنه	« وزیر امور خارجه »
وزیر افخم	« وزیر داخله »
ناصر الملک	« وزیر مالیه »
نایب السلطنه	« وزیر جنگ »
مخبر السلطنه	« وزیر علوم و اوقاف »
مهندس الممالک	« وزیر فواید عامه »
وزیر همایون	« وزیر تجارت »

« مجدداً شاه بامین السلطان که هنوز در سویس بود تلگراف کرد که «
 « عازم تهران شود و احتمال دارد به محض ورود وزیر داخله گردد و بعد مانند سابق «
 « زمام کلیه امور مملکت را بدست آورده ریاست کلیه نماید . »

خلاصه مکتوب سیر اسپر نیک رایس بسیر ادوارد گری

از قلهک ۲۳ ماه می ۱۹۰۷

« با کمال افتخار شرح وقایع و اتفاقاتیکه در ماه گذشته در این مملکت روی «
 « داده و مستر چرچیل ثبت کرده است معروض می دارم . »

« تاکنون نتوانسته اند وسایلی برای پیشرفت امور دولت بچنگ آورند «
 « مجلس از اطراف گرفتار حمله واقع شده است . درباریان تماماً مخالفت می نمایند «
 « و مردم شهر بواسطه اینکه نان مانند سابق بحالت گرانی باقیست رضایت ندارند از «
 « طرف دیگر ضعف مجلس بواسطه مناقشه ما بین دو نفر از رؤسای آن که عاقبت «
 « منجر باستعفا دادن هر دو گردید مکشوف و باب همه گونه فواید برای دشمنانش «
 « مفتوح شد . مهمتر مسئله که در این وقت دست آویز گردید متمم قانون اساسی «
 « بود که تمام رعایای ایرانرا بدون رعایت مذهب در حکم قانون متساوی الحقوق «
 « ضمانت می کرد . ملاها در این خصوص تعرض نمودند و از سه نفر مجتهد بزرگ «
 « فقط آقای سید محمد حامی و خواهان آن بود ولی دیگران که بجمع کثیری از «
 « طلاب تکیه داشتند مدعی شده اظهار نموده اند که در مملکت اسلامی باید قوانین «
 « اسلامرا مجری و معمول داشت خلاصه طبقه روحانیین بدو فرقه تقسیم شد . عده «
 « بسیاری از طلاب به ریاست آقا سید محمد و آقا سید جمال الدین واعظ مردم را «
 « آگاه و متذکر میساختند باینکه آزادی و مساوات از قوانین اسلام است و هر که «
 « جز این بگوید بمملکت خیانت نموده و مسلمان نیست »

« نماینده پارسیان در نزد من خیلی اظهار امیدواری می کرد که در خصوص «
 « تساوی حقوق اقدامات قطعی خواهد شد ولی این مطلب هنوز در بوته اجمال «
 « باقیست و تا مدتی ما بین عوام الناس و روحانیون که طرفدار عامه میباشند زحمت «
 « فراهم خواهد آورد و گمان می رود ملاها ملتفت ضعف خویش شده درک نموده اند «
 « که عنقریب اقتدار و نفوذ ایشان زوال خواهد یافت اما شاه موقع را مغتنم دانسته «

« از امضای متمم قانون اساسی امتناع دارد و مدعی است که مواد آن بایستی از نظر «
 « مجتهدین کربلا بگذرد . از فرستادن آن بنزد علمای کربلا چه نتیجه حاصل خواهد
 « شد معلوم نیست ؟ در این روزها از طرف مجتهدین کربلا رسماً بسید جمال‌الدین
 « پیغام فرستاده شده و فوراً طبع و بپیمه جا توزیع گردید . مفاد آن امر به مردم بود
 « که بتوسط مجلس از شاه مطالبهٔ تجدد بنمایند . »

« اوضاع ایالات را می توان نتیجهٔ اختلال امور حکومت مرکزی دانست
 « در هر شهری يك مجلس مستقلی منعقد است که بدون مشورت با حاکم یا مجلس
 « مرکزی تهران متصدی امورات میشوند . حکامی که طرف نفرت مردم واقع بودند
 « پی در پی بیرون شده اند . حکومت مرکزی و مجلس تهران فهمیده اند که قوهٔ
 « ممانعت و جلو گیری را ندارند لهذا خطر يك بی نظمی عمومی بنظر حتمی الوقوع
 « میاید آثار هیجان در دفع ظلم و مقابله با اولیای امور در تمام ولایات مشهود
 « است ولی محرکین غیر معلومند و آنچه بنظر می آید از طرف شمال و شاید از
 « قفقاز تحریک می شود . اما قطعه جنوب بالنسبه ساکت و اهالی آن هر حیث
 « مطیع میباشد بر عکس قطعه شمالی که اگر بدان جانب مسافرت نمایند چون بهر
 « نقطه از آن وارد شوند خواهند دید که بآن مردم آنجا آزاد تر و سلوک ایشان
 « نسبت پادشاه و حاکم آن محل مخالفت میباشند ملاحظت با اتباع خارجه و یا تفر از
 « آنها مربوط بعدم مراده و یا آمد و شد ایشانست با حکومت حاضره »

« حس استقلال و حفظ ملیت نمودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن در
 « اداره کردن امور خویش همه روزه ما بین مردم بطور سرعت تولید می شود . قوت
 « این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است و اگر مخالفین هر
 « گونه عوایق و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالیه آنرا مضمحل
 « نمایند حس آزادی و عقیده وطن پرستی را که مردم به نازه گی در یفت کرده اند زایل
 « نتوانند ساخت . »

« مجامع سری و متعدد شدن آنها سبب توحش دولتیان گردیده و گروه فدائیان
 « باکو و شمال ایران قسم یاد کرده اند که جان خود را فدای سعادت مملکت خویش
 «

« نموده دشمنان وطن را معدوم سازند در تهران نیز انجمنهای بسیار تأسیس یافته که
 « جلسات بعضی از آنها آشکار و عمومی است و برخی دیگر با آنکه اعضای آنها معروف
 « یکدیگر نیستند مقید بیک نظامنامهٔ عمومی میباشند . در افواه است که اگر حادثه
 « اتفاق افتد تمام آنها متفقاً بدستور کمیته های کوچک مرکزی در دفع آن باکمال
 « ثبات قدم بیک روش خواهند کوشید . هر چند این مطلب را جدا دعوی میکنند
 « لیکن ظن غالب این است که فقط حرف باشد . »

قسمتی از گزارش وزیر مختار انگلیس به سیر ادوارد گری

« روز ۲۶ آپریل اتابک اعظم بتهران وارد و در دوم ماه مه - رسماً بریاست
 « وزرا و برتبه وزارت داخله برقرار گردید پس از دو روز دیگر با هیئت وزرا برای
 « معرفی بمجلس شوری حاضر و دستور اقدامات خود را بیان نمود .
 « سبک جراید محلی بظرفداری حکومت ملی (دموکراتیک) بیشتر تمایل
 « می شود و اتصالاً روزنامه های جدید طبع و بر عدهٔ جراید افزوده میگردد حالیه در تهران
 « قریب بسی روزنامه دایر میباشد که از انجمله عدهٔ یومیه است و همچنین در تمام
 « ولایات طبع روزنامه جات اقدام نموده اند بعلاوه در باکو يك جریده بزبان فارسی که
 « مسلکش بر ضد سلطنت و خانواده است نوشته شده و در تمام نقاط ایران رواج
 « دارد اوراق بدون امضاء مانند سابق در تهران پراکنده میشود که بسیاری از آنها را
 « از باکو ارسال می دارند و بواسطه عبارات مهیجه مخصوصاً ضدیت با اتابک و دولت خیلی
 « قابل ملاحظه واقع گردیده است .
 « هنوز اتابک اعظم طرف میل مجلس واقع است ولی او خود اظهار خستگی
 « و گفتگوی مراجعت از ایرانرا مینماید .

« وصول و ایصال مالیات در نهایت سستی است »

نگار فاسیر اسپر نیک رایسی به سیر ادوارد گری (وصول ۲مه)

از تهران ۲مه ۱۹۰۷

« امروز (امین السلطان) به (۱) منشی شرقی اطلاع داده است که رتبه وزارت داخله و رئیس الوزرائی را بشرط آن قبول کرده است که شاه با مجلس موافقت و همراهی نماید. »

مکتوب سیر اسپر نیک رایسی به سیر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

از قلهک ۱۰ ژویه ۱۹۰۷

« با کمال افتخار عرض می نماید که چون در ششم همین ماه بحضور شاه شرفیاب شدم بجهت معینه مصلحت چنین دیدم که این شرفیابی رسمی را موقعی مغتنم شمرده از اوضاع ایران به آن اعلیحضرت بیانات سخت معروض دارم. »

« یکی از مجتهدین عمده با جمعی از اتباع خود برای پرست نمودن و تعرض بر مشروطه و انکار مجلس شورا بست اختیار کرده و آنچه که تقاضای کند مشتمل است بر طرد و نفی بیشتری از اعضای عالیه مجلس و اعاده اساس قدیمه و اجرای آن در هر روز يك مبلغ کثیری که تقریباً معادل است با صد لیره برای مخارج باو داده می شود و عامه را اعتقاد آن است که این وجه را از خزانه شاهی عاید میدارد »

« نتیجه که این حرکت بخشیده است طبعاً افکار عموم را بطورشدت بیجان و خشم در آورده و همه روزه خاطر مردم مرا از شاه بیشتر منزجر می سازد و بعلاوه کلیه مردم ایراد میکنند که اطراف شاهرا درباریانی احاطه کرده اند که همان روش قدیمه را اتخاذ کرده و آنها کسانی هستند که جز پر کردن جیب خود از حاصل دست رنج ملت و یا از استقراضهای خارجه مقصود و آمال دیگری ندارند »

« و در حقیقت بقای مجلس را بزرگترین عایق و مضر پیشرفت مقاصد خویش میدانند. »

۱ - منشی شرقی نویسنده و مترجمی است در سفارت که السنه شرقی را میداند

« بواسطه اعتماد تامی که شاه باینگونه اشخاص دارد ناصحین واقعی و خیراندیشهای حقیقی مورد توجه نبوده و نمی گذارند طرف مشاوره واقع شوند. »

« اتابک که چندان میلی باساس عمومی نداشته و میدانند بواسطه اینکه همان اسما وزیر مسئول شاه است درچه موقع خطر ناکی گرفتار آمده و بمن پیغاماتی فرستاد بامید اینکه چون من صادقانه باشاه سخن میگویم شاید بزبان من مؤثر واقع شود علیهذا وقتیکه من مکتوبات پادشاه انگلستانرا تقدیم شاه نمودم شرف حضور را از آن اعلیحضرت تمنای خلوت کردم شاه باکمال کراهت و بی میلی ظاهراً اجازت داد و اشخاصیکه حضور داشتند خارج شدند مگر من و عباس قلی خان که باقی ماندیم. »

« من شروع نموده گفتم که از زمان جلوس آن اعلیحضرت تاکنون بقدری حوادث نا هنجار و اتفاقات مختلفه روی داده که ناگزیر بشرح آن خواهم پرداخت و اعلیحضرت را از چگونگی مطلع ساخت از جمله پست سفارترا دردموقع دزد بسرقت برده است از طرفی مردم بجز داخل قنصل خانه مامیشوند و از خارج بسمت آن شلیک میکنند تجار ما گرفتار چپاول شده اند و غلام قنصلخانه را با اینکه لباس رسمی قنصلخانه را پوشیده بود در ملاء عام زده اند و مقصود من از بیان این وقایع نه این است که خاطر آن اعلیحضرت را تصدیع بدهم در صورتیکه میدانم این گونه مطالب را باید باوزرا گفتگو نمود ولی خاطر همایونی را از اوضاع عمومی مملکت که این حوادث از علائم و نمونه های ظاهر آنست مسبوق و مستحضر دارم و البته می دانند که پادشاه متبوع من سعادت و آسایش شاهرا به منتهی درجه خواهان است و چون منافع دولت ایران بایرطانیای کبیری بسته بهم است لهذا از تکالیف لازمه خود میدانم که آنچه از نقاط مختلفه شنیده در پیشگاه همایونی آشکار دارم از آنجمله میگویند که آن اعلیحضرت مخفیانه در تخریب تشکیلات و بر ضد اساس ملی که اعطای آن بیشتر بازاده شاهنشاهی بوده مشغول و در کارند. هر چند دولت متبوع من هیچگونه نظری در طریقه سلطنت ایران تا آن زمانیکه در انظار قوی و محترم است ندارد »

« خواه سلطنت شورای یا غیر آن باشد لیکن وجود این شایعات با اینکه یقین دارم »
 « کذب محض و دروغ صرف است گمان می کنم استحکام سلطنت و حفظ سلطه آن »
 « را خطری عظیم باشد. اعلیحضرت میدانند که چه نوع اشخاص اطراف پدرش را احاطه »
 « کرده خود را شاه پرست جلوه داده بودند و بیچنگ آوردن ثروت و آبادی خویشان »
 « پرداخته دولتر پربشان و محتاج ساختند هنوز همان نفوذ در اطراف تخت سلطنت »
 « موجود است و در تخریب مشروطیت که پادشاه در نگاهداری اساس آن سوگند »
 « یاد کرده همی کوشش دارند. اعمال آن قبیل اشخاص است که شاهر را طرف »
 « انزجار و نفرت مردم قرار داده و مقصود عمده که اینگونه اشخاص در نظر دارند »
 « فقط اخذ منافع و خرابی شخص شاه است. »

« شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل باقتدار شاه می باشند که »
 « اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی به آن روی دهد نظر بحفظ آن البته مداخله »
 « خواهند نمود بنا بر این من بایک جدیتی شاهر را آگاه ساختم. که اگر بامید معاضدت »
 « و کمک خارجه آن اعلیحضرت را بمجادله بر میانگیزانند حمایتی نخواهد شد. دولتین »
 « انگلیس و روس هر دو مصمم شده اند که بمداخله نپردازند مگر در موقع محافظت »
 « منافع و مصالح خویش و اتباع خود. ولی هر گاه مملکت بی نظم و اقتدار مرکزی »
 « که معدوم و منافع خارجه در مخاطره باشد آن وقت هیچ جای تردید نیست که »
 « مداخلات حتمی الوقوع خواهند بود و در آن صورت البته موقع از دست خواهد »
 « رفت و حتی اگر موقع مداخله اتفاق افتد آن وقت اختیارات و اقتدارات شاهی بکلی »
 « اضمحلال خواهد یافت پس چون نه شخصاً میتوانند در مقابل هیجان ملی ستیزه »
 « کنندو نه اتکا بکمک خارجه نمایند فقط چاره در این است که باتحاد معنوی پرداخته »
 « در پیشرفت امور تجدد واقفاً حاضر شوند تا آنکه با حس سپاسگذاری و شاه پرستی »
 « ایرانیان حشمت و شرکت آن اعلیحضرت عودت یافته اقتدار وی بر اجدادش برتری »
 « یابد در خانمه از آن اعلیحضرت استدعا نمودم گستاخی مرا که مبنی از احساسات خیر »
 « خواهانه دولت متبوعه من در باره آن پادشاه و ناشی از احساس مخاطراتیکه آن »
 « اعلیحضرت را احاطه نموده معذور دارند. »

« اعلیحضرت شاه بسا کمال دقت بیانات مرا اصغامی فرمود و بهیچوجه آثار »
 « کراهت بظهور نرسانیدند بلکه چون اطمینان داشتند که آنچه معروض داشته ام از »
 « طریق دولتخواهی صادقانه بوده اظهار امتنان فرمودند و میگفتند که بسی نظمی »
 « مملکت نتیجه تغییرات ناگهانی و تغییرات شدید است که در اساس و طریقه حکومت »
 « داده شده و بعلاوه هر مملکتی ممکن است دچار انقلابات داخلی بشود و نیز میفرمودند »
 « همیشه عقیده من این بوده که برای هر مملکتی سلطنت دستوری بهترین ترتیب حکومت »
 « هاست ولی نه مثل مشروطه کنونی ایران. چه مجلس مشتمل بر جمعیت بی نظم »
 « نادانی است که هر يك در فکر مقاصد شخصی بوده اتصال بمنزعه می پردازند که »
 « شاید آبرو گل آلود نموده ماهی بگیرند ولی برای این مملکت يك مشروطه معتدلی »
 « لازم بود که از یکی از مالک اروپا اقتباس شده باشد. اما مردم متوقعند که همه »
 « چیز را بفوریت به آنها داده شود و بنا بر این لازم است انتخابات را تجدید نموده »
 « مجلس را دوباره تشکیل داد. »

« من در اینجا اعلیحضرت را بیاد آوردم که در نگاهداری قانون اساسی »
 « بقید قسم ملزم آمده و متعهد شده است تا مدت دو سال مجلس را منقصل نسازد و هم »
 « معروض داشتم آن کسانی که صلاح اندیشی در نقض عهد می نمایند آنها می دانند که »
 « شاهر را يك خطر عظیمی که عبارت از تکفیر باشد دچار خواهند نمود که از قول »
 « خویشان سر تافته و عهد با خود را نقض کرده چنین کرداری را پیشوایان کربلا »
 « چه خواهند گفت؟ بلکه فقط شهرت این اراده زیان کلی برای وی خواهد بخشید چه »
 « رسد بدخول در عملیات آن (۱) جواب فرمودند که در فضا مملو است از اخبار »
 « دروغ که دشمنان ملت جعل و منتشر میکنند چنانچه به تهمت میگویند من شیخ الله »
 « را تشجیع و تشویق بمخالفت می نمایم در صورتیکه بکلی دروغ است. شیخ بواسطه »
 « مناقشه با ملا های هم افق خویش تحصن اختیار کرده و بست نشستن او ربطی به »
 « شاه نخواهد داشت. از مسلمات است که تفرقه ما بین شاه و رعایای او از ممتنعات می »
 « باشد نمی توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود چه هر يك لازم و ملزوم یکدیگرند »
 « اما راجع بمالیه. بخوبی میدانم که در باریان پدرم قروض سابقه را بچه راهبانی صرف »

صورت کلیه قروض دولت ایران بیانگ شاهنشاهی

۳۰ ژوان ۱۹۰۷

لیره	تومان	
۴۰۴۱۲۰	۲۰۲۰۶۰۰	مجموع بدهی دولت تا ۳۰ ژوان ۱۹۰۷
	۳۶۲۸۳	قرضی که شاه در تبریز بحساب جاری نموده
۵۵۴۳	۲۷۷۱۵	بضمانت از بابت قسط قرضه ۲۹۰۰۰۰ لیره که در ۴ آوریل بایستی پرداخت شده باشد با منافع آن تا ۳۰ ژوان
۲۳۵۴۷	۱۱۷۷۳۵	ضمانت اشخاص ذیل
۴۲۰۰۰	۲۱۰۰۰۰	شعاع السلطنه
۲۰۸۰۰	۱۰۴۰۰۰	امیر بهادر
۱۳۰۰۰	۶۵۰۰۰	مشیر الدوله و غیره
۵۱۶۲۶۶	۲۵۸۱۳۳۳	مجموع فقرات فوق
۲۹۰۰۰۰	۱۴۵۰۰۰۰	قرض حقیقی
۸۰۶۲۶۶	۴۰۳۱۳۳۳	جمع کل

نمودند که بهیچوجه فوایدی بر آن مترتب نبوده و من مراقبت خواهم کرد که
دیگر چنین نشود. زیرا اکنون با وزیر مالیه مشغول طرح ترتیباتی هستم که مالیه
را تعدیل و امور آنرا منظم نمایم لهذا میتوانم اطمینان بدهم که در آتیه آنچه از خارجه
استقراض شود صرف نخواهد گردید مگر در راه ترقی و آبادی مملکت. و میفرمود
موقع از جهتی خیلی مشکل و کار از طرفی بسیار بزرگ است. در جواب عرض
کردم که کار بزرگ شایسته پادشاه بزرگ است و نیز اظهار داشتم که آن اعلیحضرت
همه وقت می توانند اطمینان با حساسات صمیمانه و همراهی دوستانه دولت متبوعه
من بنمایند. در این موقع مجدداً اظهار امتنان فرموده و مخصوصاً هویدا بود که در
طول مدت این ملاقات با کمال مهربانی و بطریق محبت برخورد میفرمایند.

(امضا) سسیل اسپرنیک رایس



مکتوب سیر اسپر نیک رایس بسرادواردگری (وصول ششم اوت)

از قلهک ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۷

« آقای من افتخار دارم مطالبی را که کلنل دکلاس راجع به بریکاد قزاق ضبط و یادداشت نموده لفاً ارسال دارم مشارالیه اشکالات ایصال حقوق بریکادمزبور را توضیح داده قشونی که بتوان برای حفظ اتباع خارجه و نگاهداری نظم بآن اعتماد نمود فقط همین قسمتر امیداند »

(امضا) سیر اسپر نیک رایس

مکتوب کلنل دکلاس به سیر اسپر نیک رایس

از قلهک هیجدهم ژوئیه ۱۹۰۷

« آقا فرمانده حالیه بریکاد قزاق موسوم به کلنل لیاخوف که جوانی است به سن ۲۴ یا ۲۵ مدتی در تاماژور تفلیس مشغول خدمت بوده و چندین نوبت بعمل بازدید حدود آسیای عثمانی ماموریت یافته در ظرف این دو ماه که در ایران توقف دارد بایستی اشکالات در کشتی و نبرد بوده تقریباً تا هیجده ماه قبل حقوق بریکاد را منظمآً تسلیم فرمانده آن می نمودند ولی از آن ببعد حقوقات بنای عقب افتادن را گذاشت و عاقبت دولت ایران که ظاهرادر تحت فشار و تنگدستی گرفتار آمد نتوانست پولی فراهم آورد که مابین صاحبان حقوق تقسیم نماید لهذا دولت روس چون دید عنقریب این قسمت از قشون متفرق و پراکنده خواهد گردید اراده کرده مقدار پولی که برای نگاه داری آن لازمست تهیه ببیند معذک بانگ روس مبلغ هشتاد هزار تومان جهت همین مقصود بقرض داد دیگر از هر گونه مساعدت امتناع ورزید دولت ایران با آنکه وعده های بسیار می دهد لیکن تا کنون علائمی در

« تحویل پول به ظهور نرسانیده و بنابر این اوضاع مالیه فعلا مختل است »
 « در مجلس لاینقطع به بریکاد حمله آورده اقامه دلایل می کنند که این عده قشون در صورتیکه به پول ایران پرورش میابد فقط برای منافع روس حاضر خدمت است چنانچه از صاحب منصب و تابین که مامور ولایات می شوند مکلفند از کم و کیف و چگونگی هر محلی که توقف می کنند استکشاف نموده و بمرکز ریاست خود اطلاع دهند . »
 « شاهسونهای بلوک ساوه که سالهای متمادی در تحت اقتدار فرمانده رئیس بریکاد بوده بعلاوه سیصد نفر قزاق می دادند از پستی مقام خویش بمجلس شکایت کردند نتیجه این انقلاب عزل ۲۲ نفر صاحب منصب و ۱۶۰ نفر تابین گردید . »
 « در این چند سال اخیر بر عده دستجات کوچکی که در خدمت و محافظت حکام مامور ولایات می شدند خیلی اضافه گشت این دستجات چون جیره فوق العاده مرسومه را که در اوقات ماموریت عاید می داشتند اکنون بندرت دریافت میدارند غالباً ناراضی و گاهی آغاز سرکشی میکنند کلنل لیاخوف از زمان ورود بایران جدا ساعی بوده که حتی المقدور آن عده از قزاق در تهران باقی بدارد که در اوقات لازمه جهت حفظ اروپائیان يك قوه مختصری در تحت فرمان خویش بفوریت حاضر تواند نمود ولی از کلیه هزار و پانصد نفر قزاق هنوز هشتصد نفر از مرکز غایب است و پس از طلبیدن دستجات ماموره را از هر جا که ممکن باشد باز در موقع اردوی تابستان که اخر این ماه شروع بتشکیل خواهد یافت بیش از هشتصد نفر نمی تواند جمع آوری نماید حالیه هشتصد نفر که حاضرند دوست نفر آن توپخانه و دوست نفر مامور مستحفظی کوچهای تهران میباشند لهذا کاریکه کلنل لیاخوف در پیش دارد همچنان سهل نمیتوان شمرد و اگر ترتیبی در منظم رسیدن حقوق بریکاد به آن طریقیکه خاطر را رضایت بخش باشد داده نشود تقریباً آتیه بریکاد نامعلوم خواهد بود . »
 « بنابر نظریاتی که دولت ایران در مخارج نظامی دارد هیچ جای شبهه نیست که این قوه دارای مخارج گزاف می باشد بودجه سالیانه آن معادل است با دوست

« منتج نتیجه کردند و اقلاً مدت سه سال وقت لازم است تا بتوان اصلاحات و مقاصدی را که در نظر است بعمل آورد. »

« از آنجا که مجلس شورایی ملی دلگرمی بدوستی دولتی و همراهی دولت « بریتانیای کبیر در ترقی منافع دولت شاهنشاهی دارد لهذا مخصوصاً بوزارت امور « خارجه اظهار داشته که بکمک نمایندگان محترم انگلیس و روس مهلتی در تادیه « اقساط قروض بانگها داده شود یعنی تا مدت سه سال بتاخیر افتد چنانچه در ظرف « این مدت از بابت استهلاك دين چیزی پرداخته نشود مگر منافع آن هرگاه در « مدت مذکور اصلاحات مالیه به آن وجهیکه در مد نظر است انجام بیاید آنوقت « ممکن میشود با يك طريق شایسته بر اقساط استهلاك افزوده و زودتر بادای دین « موفق گردید. »

« دولت ایران و نمایندگان ملت امید است با این مساعدت دوستانه بتوانند « وقت بدست آورده باصلاحات لازمه پردازند و خرج و دخل مملکت را بر اساس « صحیح مخصوصی قرار دهند. »

« نظر باعتماد تامیکه اولیای ایران بدوستی و نیات حسنه امنای بریتانیا « دارند رجای واثق است که آنجناب این مقصود و خواهش دولت شاهنشاهی از لحاظ « رجال مخصوصه بریتانیا گذرانیده در این خصوص مودت آن دولترا نسبت بدولت « ایران مستحکم سازند و چنانچه همیشه منافع دولت شاهنشاهی را منظور نظر داشته « اند امید است در این موقع هم که دولت مشغول اصلاحات است بدوستی دولتی « بواسطه پذیرفتن این خواهش و نیز معاضدت در این موضوع زاید بر آنچه بوده « افزوده شود. »

(بامضا و مهر) **علاءالسلطنه**

تلگراف سیراد وارد گری به سیرا سپرینک رایس

از وزارت امور خارجه - (لندن) مورخه ۲۸ اوت ۱۹۰۷

بدهی دولت ایران بانگلیس

« شما مجازید که با ولیای ایران بگوئید دولت اعلی حضرتی در تعویق ایصال اقساط ،
 « دین تامت سه سال و فقط پرداختن ربح آن راضی گردیده مشروط بر اینکه تعهد کنند ،
 « در استقراض از خارجه ابتدا دولتین انگلیس و روسرا مقدم داشته و نیز در ،
 « ضرابخانه سکه نقره را پس از انقضای قرار دادیکه نموده اند بدیگری انحصار ندهند ،
 « هر گاه در ظرف این سه ساله از روی جدیت بانتظامات پردازند دولت ،
 « اعلی حضرتی اقساط پس افتاده این مدت را ابتدا مطالبه نخواهد کرد . »

تلگراف سیر - سی - اسپرینک رایس به سراد وارد گری (اول سپتامبر)

از قلهک غره سپتامبر ۱۹۰۷

« آقا - دیشب در موقعیکه اتابک از مجلس شورا خارج میشد هدف گلوله ،
 « گردید و چون سه تیر بوی زده شده بود در بین راه که با کالسکه خویش بخانه اش ،
 « حمل مینمودند وفات یافت - یکی از قاتلین پس از بقتل و زدن سربازی که ،
 « میخواست او را دستگیر نماید خود را مقتول ساخته و یکی دیگر از آنها مقید گردید »

مکتوب سر - سی - اسپرینک رایس بسراد وارد گری (وصول سوم سپتامبر)

از قلهک ۱۸ ژویه ۱۹۰۷

« آقای من - شرف دارم خلاصه حوادث ایران را که در ظرف ماه گذشته اتفاق افتاده ،
 « و مستر چرچیل موافق معمول جمع و ثبت نموده ارسال حضور دارم ،
 « دولت روس هنوز قصدش احتراز از مداخلات نظامی و ورود دادن قشون ،
 « است با اینکه کشتی های کوچک جنگی بانزلی روانه داشته و بر قوای نظامی ،
 « سرحدی افزوده است و وزیر مختار آن دولت بمن اطمینان میدهد که هر چند نمایش قوه ،
 « مسلحه و قشونی لازم میباشد لیکن اقدامات مختصره ضرری نخواهد رسانید ،
 « رؤسای طرفداران ملت بخوبی دریافته اند که اگر مستمسک و بهانه ،
 « بدست دول اجنبی بیاید حتماً مداخله خواهند نمود لهذا آنچه میتوانند در ،
 « مسالمت با خارجه و ممانعت از هر گونه حمله و تعرض بانباع آنها ،
 « فروگذار نمیکنند . »

« عمل مالیه ترقی نیافته کسادى و بی پولی در بازار شدت یافته بانگ ،
 « ملی هنوز سرمایه تحصیل نکرده ولی وزیر مالیه بامید کمک و همراهی یافتن در ،
 « اصلاحات مشغول کار شد و مجلس را وادار بقبول خواستن مستشاری از خارجه نموده ،
 « که اسماً برای بانک ملی ولی معناً مستشار دولت باشد . پس از کوشش بسیار ،
 « عاقبت دولت راضی گردید که از فرانسه يك نفر مستشار بطلبد ،
 « تاکنون بدهی دولت به بانک شاهنشاهی پرداخته نشده ولی از وزیر مالیه ،
 « شنیدم که در فراهم ساختن ادای اینگونه قروض ساعی میباشد . »

« وزیر مالیه استعفای خود را از وزارت با اینکه پذیرفته نگردیده است ،
 « و بشرطی آنرا مسترد میدارد که شاه و مجلس توأمأ متعهد شوند قانونی را که برای ،
 « اصلاح مالیه وضع و بهمین زودی تقدیم ایشان خواهد داشت به پذیرند . »

« مجلس هنوز انعقاد مییابد و در ضمنیکه مردم برای جشن اعطای مشروطیت ،

« با يك حرارتی مناظر باشکوه ترتیب داده بودند مجلس نیز بگرفتن جشن و تشریفات »
 « پرداخت ولی تا بحال کار مفیدی انجام نداده و نمیدهد جلساتش بی نظم و هیچ »
 « وقت از مذاکرات خود نتیجه قطعی حاصل نمیکند . »
 « مخالفت مخفیانه شاه و دوستانش با کمال مهارت و تردستی بتوسط قسمتی »
 « از فرقه مالاها که پول گزاف دریافت میدارند بظهور میرسد و تا اندازه مظفریت »
 « یافته و برجرت و جسارت قوای استبداد افزوده شده ولی رؤسای ملت از این دو »
 « دشمنان در خوف و هراس نه بوده با قلبی مستحکم بیان میکنند که از این به بعد »
 « ممکن نیست دیگر سلطنت استبدادی در ایران اعاده نماید . »
 « دشمن عمده مجلس اعضای خود آنست انتظامات کلیه و اقتدار و اعمال »
 « عمومی و نیز قوه نفس کشی بهیچوجه وجود ندارد . »
 « این مسئله حس شده است که اگر مجلس يك عمل معین مشخصی را نتواند »
 « سر مشق خود قرار دهد بی شبهه مردم سلب اطمینان از آن خواهند نمود و حتی »
 « دولت و مخالفین هر دو متفقند که اگر شاه سر تسلیم پیش نیاورده موافقت نه نماید »
 « مسلماً هر اقدامی که در اصلاحات نمایند بی نتیجه خواهد بود و امکان ندارد کاری »
 « از پیش برده شود بنابراین مجلس مصمم گردید یک هیئتی را با اسم نماینده حضور شاه »
 « بفرستد و با کمال عجز استدعا کنند که آن اعلیحضرت اعتماد خود را نسبت بوکلای »
 « ملت مشهود ساخته از روی واقع و صمیمیت در نجات ملت معاضدت فرمایند . لیدر »
 « (رئیس مخالفین بمن ثابت داشت که شاه چنان دشمن اساس حاضره است و ضدیت در »
 « تمام عروق او ریشه دوانیده که هرگز تن بهمراهی نخواهد داد مگر اینکه از خارجه »
 « او را حمایت نکنند یعنی بنابر عقیده او اگر دول خارجه ایران را بحالت خود باقی گذارد »
 « شاه مجبور بموافقت و تسلیم شده آنوقت مجلس بهر کاری اقدام نماید منتج به نتیجه »
 « خواهد گردید یکی از اعضای دولت و دوست صمیمی اتابک همین عقیده را »
 « اظهار مینمود . »
 « اتابک بواسطه ملول بودن و هراس از جان خویش و نداشتن اعتمادبشاه »

« با نهایت میل مذاکره استعفیای خود را مینماید چون وی واسطه بین شاه و مردم »
 « یعنی از حیث مقام دومین شخص و صاحب تجارب کثیره و عالم بر کیفیات مملکت »
 « است لهذا میتوان از وجود او فایده حاصل نمود لیکن رفع اشکالات را فقط بفراهم »
 « آمدن یکمقدار پول میدانند و در حقیقت نبودن پول سبب پیش نرفتن کارها و عدم »
 « انتظامات خواهد بود وزیر جنگ معزول گردیده و بجای او شخص دیگری را »
 « منصوب ساخته اند راه اصفهان بتوسط دزد ها که سعی در سرقت پست دارند مسدود »
 « شده است . »

« مالاها ولایت اصفهان را قبضه نموده بمیل خود حکومت می نمایند و لسی »
 « نمیتوان گفت بی نظمی از آنچه سابق روی میداد حالیه زیادتیر و یا خطر مخصوصی »
 « برای اتباع خارجه موجود باشد معینا اگر این ترتیبهای بطول انجامد و اصلاح »
 « مالیه را از عهده برنایند احتمال دارد منجر بمداخله اجانب شود و فقط همین کار وسیله »
 « خواهد شد که در استقرار نظم اهتمام نمایند مردم از آن جمله شاه مشتاق يك چنین »
 « روزی میباشند و حاضرند آنرا استقبال کنند و جمعیت کثیری برای رفع »
 « بهانه و منع از مداخله اجانب معین شدند لیکن نمیتوان گفت ایشان تاکنون بقصد »
 « آن باشند که از روی میل و اراده منافع و مقاصد شخصی خود را فدای نیک بختی »
 « ملت نمایند کسانیکه بتماشا و مناظره اوضاع همی مشغولند عقیده شان بالاتفاق اینست »
 « که هیجان وطن دوستی ملی اشتغال یافته و آن يك رویه و اساسی است که پلتیک »
 « ایران را بخطر خواهد انداخت . »

(امضا) سید اسیر ینک رایس

تلگراف سیراد واردگری به سیر اسیر ینک رایس .

از وزارت امور خارجه (لندن) ۷ سپتامبر ۱۹۰۷

آقا - شما با وزیر مختار دولت روس بایستی متفقا مکتوبی بمضون واحد رسماً
 موافق مطالب ذیل بدولت ایران ارسال دارید .

« چون دولتین انگلیس و روس مایلند از آنچه سبب اختلاف و تصادف بین «
 « مصالح و منافع آن دو دولت در قطعات معینه ایران یعنی از طرفی متصل یا مجاور «
 « بسرحدات روس و از طرف دیگر بحدود بلوچستان و افغانستان اجتناب ورزند لهذا «
 « در این موضوع قرار داد دوستانه امضاء نموده اند . «
 « دولتین بواسطه این قرار داد در مقابل یکدیگر تقبل می نمایند که استقلال «
 « تامه و تمامیت ایران را رعایت کنند و اظهار میدارند که نه فقط صمیمانه مایل با استقرار «
 « دائمی منافع صنعتی و تجارتي سایر ملل بطور تساوی بوده بلکه خواهان ترقی «
 « مسالمتانه مملکت ایران نیز میباشند . «
 « بعلاوه هر يك از دولتین متعهدتین تعهد میکنند که هیچ قسم امتیازی «
 « در نواحی متصل یا نزدیک بحدود دیگری تحصیل ننمایند . «
 « نظر باینکه در آتی سوء تفاهمی حاصل نشود و بملاحظه اینکه وضعی «
 « در امور ایجاد نگردد که بعد ها از جهتی دولت ایران را دچار موقع مشکلی نماید «
 « لهذا قطعات سابق الذکر صراحتاً در قرار داد تعیین شده است . «
 « ضمناً مالیاتی که تخصیص بتأمین قروض دولت ایران ببنام استقراضی و «
 « شاهنشاهی داده شده اعتراف مینمایند و تصدیق میکنند که در آتی کماکان مالیات «
 « های مزبوره تأمین قروض را نمایند و در صورت مشاهده بترتیبی در تادیه اقساط «
 « استهلاك و یا منافع قروض مذکوره دولتین بعهده میگیرند که بوسیله قرار داد متفق «
 « علیه اقداماتی که برای تاسیس کنترل لازم باشد معین گردانند و دوستانه تعاطی «
 « نظریات نموده و از هر گونه مداخله که با اصول اساسی قرار داد منافات داشته باشد «
 « احتراز جویند . «
 « دولتین در امضای قرارداد باعزم ثابت این اصل اساسی را در نظر داشته «
 « که استقلال و تمامیت ایران کاملاً و مطلقاً رعایت گردد . بگانه مقصود از این قرارداد «
 « همانا اجتناب از هر گونه سبب و سوء تفاهم بین طرفین متعهدتین در زمینه امور «
 « ایران میباشد . بر دولت شاهنشاهی معلوم و ثابت خواهد شد که قرار داد فیما بین «
 « روس و بریطانیای کبیر باعث از دیداد سعادت - امنیت بالاخره ترقی و تعالی ایران «

« به بهترین شکلی خواهد بود . «
 « بایستی از دولت ایران خواهش نمود که این اطلاع را محرمانه فرض «
 « کنند تا زمانی که در اینجا (۱) طبع و نشر شود . «
 « اگر تحقیق مفاد و معنای قطعات متصله بحدود دولتین را بنمایند شرح ذیل «
 « را نزد ایشان ارسال دارید . «
 « خط روس ابتدا از قصر شیرین شروع و از اصفهان - یزد - و کاخ عبور «
 « نموده این بلاد را شامل و بالاخره در نقطه ای از سرحد ایران که در آنجا حدود «
 « روس و افغان تقاطع مینمایند منتهی میشود . «
 « خط انگلیس شروع از سرحد افغان شده از طرف غازیک - بیرجند «
 « و کرمان گذر کرده در بندر عباس بانتهای میرسد «

قسمتی از مکتوب سیر اسپرینک را پس به سرادودگری (وصول ۳۰ سپتامبر)

از قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷
 « آقا - با کمال افتخار معروض میدارم که اتابک در سی ام ماه گذشته هنگام «
 « شب بملاقات من آمد و مفصلاً از اوضاع سیاسی گفتگو نمود . «
 « مفهوم بیاناتش این بود که شاه از ضدیت دست خواهد کشید و مخالفت «
 « را متروک میدارد . مجلس با دولت موافقت خواهد نمود و چندی نمیگذرد که دولت «
 « خواهد توانست بی نظمی که سراسر مملکت را فرا گرفته مرتفع سازد . من ویرا «
 « بدینگونه مشعوف و در حال وجد و امید واری هیچگاه ندیده بودم روز دیگر اتابک «
 « با وزرا حضور شاه شرفیاب گشته مجتمعاً استدعا نمودند که یا استعفاى ایشانرا «
 « پذیرفته و یا از روی واقعت متعهد گردد که با هیئت دولت و مجلس اتفاق و همراهی «
 « فرمایند پس از اخذ تعهد کتبی همگی بمجلس رفتند و در آنروز مذاکرات مجلس کلیتاً منبئی «

« بر اتفاق و رضایت بخش بود . اتابك دستخط شاه را قرائت نمود و گفت اکنون دولت
 « و مجلس میتوانند داخل در کار شده جداً بعمل اصلاحات به پردازند . جزئی ایراد
 « و مخالفتی خواست بظهور رسد ولیکن از آن جلوگیری گردید . اکثریت مجلس
 « همراهی خود را با دولت اظهار داشت . خلاصه اتابك از مجلس برخواست و بانفاق
 « آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ بیرون آمد چون بدرجی صحن عمارت رسیدند
 « بمحض جدا شدن از یکدیگر اتابك هدف گلوله و در سر تیر مقتول گردید . یکی
 « از حمله کنندگان که گرفتار آمد و دستگیر کننده را مجروح ساخته فرار کرد و دیگری
 « چون خویشتن را محصور یافت خود را بضرر گلوله هلاک نمود . جسد اتابك را
 « در کالسکه شخصی خود بهمراهی دو نفر سید حمل کردند و در خانه شهریش قرار
 « دادند و به تهیه لوازم مجلس ترحیم پرداخته گردید لیکن چون مکتوبات تهدید آمیز
 « بدون امضائی فرستاده شده مشعر بر اینکه اگر رسومات تعزیه داریرا فراهم آورند
 « هرآینه آن خانه را از بنیان برانداخته ویران خواهند ساخت لهذا از ترس مراسم
 « تعزیه داری را موقوف داشتند و بنابر اطاعت امر شاه اول ماه جاری بهنگام شب
 « جسد اتابك را با کمال آرامی و سکوت بیست و پنج ساعت پس از مقتول گردیدن
 « و چهار ماه بعد از مراجعتش بایران بطرف قم حرکت دادند .
 « خبر قتل ویرا نیم ساعت پس از وقوع آن بتوسط یکی از اجزای بانگ
 « شاهنشاهی موسوم به مستر برون اطلاع یافتیم . فوراً (مستر چرچیل) بطرف خانه
 « بیلاقی اتابك شتافت که خانواده اش را از این حادثه مطلع سازد من خود نیز سفارت
 « روس رفته (مسیو دوهارتویک) را در آنجا ملاقات کردم . و متفقاً قرار دادیم که در
 « این مسئله اقدامی نشود مگر آنکه منشی های شرقی سفارتین را بحضور شاه روانه
 « داشته اظهار تأسف از این واقعه بنمائیم و اگر از ما صلاح اندیشی کند بگوئیم بهتر
 « آنست از آنگونه کارهایی که سبب هیجان افکار عمومی خواهد گردید مانند من فصل
 « نمودن مجلس و یا مقید ساختن و کلا اجتناب بورزد و تا ممکن است این قضیه را
 « واگذار بوزرا و مجتهدین و به مجلس نماید .»

روز دیگر (مستر چرچیل) با همقطار روسی خود خدمت شاه شرفیاب گردید

اعلیحضرت ایشانرا با حضور وزیر امور خارجه فوراً بار داد و آنها پیغام تأسف و تالم ما
 را تقدیم نمودند و شاه مختصر جوابی بعبارات رسمی بیان فرمودند . معلوم بود که نه
 شاه از مرگ ناگهانی رئیس الوزرا چندان ملول و نه درباریان از بابت آن افسرده حال
 بودند . و شاه از ملاحظات اوضاع سیاسی هیچ فتح باب سخن نه نموده و این شرفیابی
 فقط بروسومات ساده در گذشت .

تا چندی قبل در جراید محلی و افواه شایع بود که اتابك مخفیانه با شاه
 سازش نموده که مجلس را بر چیند و مملکت را بروس بفروشد و نیز از اعضای مجلس
 اظهاراتی بهمین مفاد بمن رسید .

هیچ شکی نیست که احساسات بر ضد اتابك منتها شدت را دارا بوده .

یکنفر طیب فرانسوی که یکی از حمله کنندگان باتابك را چندی قبل از
 وقوع قتل معالجه نموده بود بمستر چرچیل حکایت و مسلم میداشت که آن شخص و
 دوستانش از مردمان سلیم آرام و از محترمین اواسط الناس و بواسطه حس وطن
 پرستی چنان مشتعل بودند که جان خود را در خدمت مملکت خویش برای فدا ساختن
 حاضر داشتند .

تا چندی گذشته تاخت و تاز بر اتابك منتهی درجه شدت را یافته جالب دقت
 عامه گردیده بود این مسئله در مجلس موضوع مذاکره واقع شده آقا سید عبدالله مجتهد
 بزرگ در سرزنش سعدالدوله که محرک هیجان ضدیت با اتابك دانسته شده بود نطق آتشینی
 نمود و رئیس مجلس اظهار داشت که اگر اتابك استعفا بدهد هرآینه او نیز استعفا خواهد
 داد زیرا مستعفی شدن اتابك هیچ مدلول و جهتی نخواهد داشت مگر انفصال فوری مجلس .
 اکثریت مجلس با اتابك همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاهد طرح يك نقشه
 و تدبیر سوئی مابین اتابك و اکثریت مجلس که گمان شده بود بگرفتن پول رام شده اند
 پنداشته چنانچه در مورد آقا سید عبدالله این مسئله را حتمی میدانستند در شهر هیجان
 مردم رو بازیداد نهاد دشمنان اتابك آتش فتنه را برای پیشرفت مقاصد خویش روشن
 می نمودند *

طبیعی بود که با این اوضاع اقدامات شدید تری پیش خواهد آمد .

از قرار معلوم مفتنین با یکی از انجمنهای سری که در تهران عده آنها بسیار است مرابطه داشته اند و برخی از کسان خویش را که هم پول فراهم آورده و هم اطلاع از اخبار مهمه در بار میدادند و ادار بدخول در عضویت آن نمودند اکنون سهل گردید که اعضای انجمن را متقاعد سازند باینکه فقط راه نجات مملکت در اعدام اتابک است که با شاه مخفیانه در خرابی کوشش می نماید و عنقریب مجلس را در تحت اقتدار خویش در آورده بکمک رئیس مجلس قرضه دیگری از خارجه استقراض خواهد نمود. احکام اعدام وی صادر گردید و در همان روزی اجرا یافت که ظاهراً بمظفریت خویش نایل آمده بود. عموم مردم وقوع این قتل را تمجید میکردند و حمله کنندگان را ناجی مملکت میخواندند. در تبریز کوچه ها را چراغان نموده و آئین بستند.

اما نتیجه که از قتل اتابک منتج خواهد شد همانا گسیخته شدن رشته امور و تا مدتی عدم انتظام در قواعد حکومت خواهد بود و افکار عموم قتل اتابک را از روی استحقاق می پندارند و اکنون در ایران حس وطن پرستی و تصمیم در معدوم ساختن هر ایرانی که فرض شود اقدام در فروش مملکت خویش می نماید چنان اشتعال و قوتی دارد که از این پیش هرگز وجود نداشته و یک عنصر جدیدیست که در حیوة ایرانی پدیدار گردیده. ممکن بود این احساسات را برای برداشتن یک وزیر عمده بکار برده باشند ولی واضح است که هیچیک از اولیای سیاست نمی تواند این حسیات را به نظر حقارت به نگرد.

مکتوب سر اسپرینک رایش به سردار دگری (وصول ۳۰ سپتامبر)

از قلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقا - افتخار دارم خلاصه حوادث یکماهه را در تلو همین عریضه حضور آنجناب

معروض دارم.

صنیع الدوله که اتابک را همراهی نموده و مخالفت مجلس را نسبت بمشارالیه

بطور موقتی مرتفع ساخته بود اکنون استعفا داده است و احتشام السلطنه که ما مور کمیسیون سرحدی تسویه حدود ما به النزاع ایران و عثمانی شده بود و بتازگی از موصل مراجعت نموده بجای صنیع الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید چندی در برلن از طرف ایران وزیر مختار بود و مخصوصاً بواسطه رفتار دلیرانه اش که در ماه مه (۱۹۰۶) آشکار را خواستار تجدید گردیده و بدان جهة تبعیدش نموده بودند شهرتی یافته است و گفته بود که من برای کاریکه بایستی انجام یابد و نیز جهة آزادی مردمان ایران ایستادگی کرده خود را وقف این مقصود خواهم کردانید بلاشبه مردیست صاحب عزم جرئت و ریاستش در مجلس با این اوضاع کنونی دارای اهمیت بوده و یقیناً اسباب پیشرفت نفوذ پارلمنت خواهد گردید.

(امضا) سسپیل اسپرینک رایش



مجدداً کابینه موافق بهیشت ذیل تشکیل یافت

وزارتخانه	کابینه قدیم	کابینه جدید
داخله	اتابک عظم	مشیرالسلطنه
وزارت امور خارجه	علاءالسلطنه	سعدالدوله
مالیه	ناصرالملک	قوامالدوله
عدلیه	علاءالملک	مشیرالدوله
جنگ	مستوفی الممالک	بدون تغییر
تجارت	وزیر همایون	محمدالملک
معارف	مخبرالسلطنه	نیرالملک
فواید عامه	مهندس الملک	بدون تغییر
حاکم تهران	وزیر مخصوص	نظام الملک

تلگراف سر اسپرینک رایس بسرا دوار دگری (وصول سوم اکتبر)

از تهران بتاريخ سوم اکتبر ۱۹۰۷

سعدالدوله از مقام وزارت امور خارجه معزول گردید .

(رجوع نمائید به تلگراف دیروز من)

تلگراف مستر مارلینک بسرا دوار دگری (وصول ۲۵ اکتبر)

از تهران بیست و پنجم اکتبر ۱۹۰۷

هیئت وزرای جدید در تحت رئیس الوزرائی ناصرالملک که نیز دوباره بوزارت مالیه منصوب گردید تشکیل یافت مهم ترین اعضای این هیئت عبارتند از مشیرالدوله پسر مرحوم مشیرالدوله که بمقام وزارت امور خارجه برقرار و صنیع الدوله بوزارت داخله منصوب و مخبرالسلطنه برای وزارت عدلیه معین گردیده اند .

مکتوب سر اسپرینک رایس به سرا دوار دگری (وصول دوم اکتبر)

از تهران مورخه دویم اکتبر ۱۹۰۷

انجمنی مرکب از شاهزادگان - رؤسای لشگری و کشوری ملاکین عمده و تمام مرتجعین معروف یک اعلامی بشاه نمودند که اگر آن اعلیحضرت از مشروطیت نگاهداری نه نماید و با مجلس در اجرای امور همراهی نکند هرآینه ایشان دیگر از هوا خواهی و حمایت سلطنت آن پادشاه کناره خواهند نمود اعلیحضرت جوابهای معمولی که تماماً مبنی بر اطمینان بود بایشان فرستادند وزیر امور خارجه که مقامش بواسطه تعطیل عمومی اجزای آن وزارتخانه خیلی متزلزل است مخالف حضرات میباشد ولی رئیس الوزرای جدید وعده داده که ایشانرا تأیید نماید .

اعضای این انجمن حمایت و حفظ مشروطیت را در مجلس که برای همین مقصود

رفته بودند قسم یاد کرده و بقیدمین تعهد نمودند.

اکنون فقط حامی و هوا خواه شاه وزیر امور خارجه است و با این حال معروف است که هنوز نظریات ارتجاعانه خود را دارا میباشد. سفارت در کلیه این وقایع رفتار و حالات طبیعی را از دست نداد.

مکتوب سر اسپرینک رایش به سر ادوارد گری (وصول بیست و هشتم اکتبر)

از قلهک بتاريخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷

آقا. امروز صورت قرار داد انگلیس و روس را که يك ترجمه از آن بفارسی (بدون ضمانت صحت مفهوم آن) با اتفاق همکار روسی خودم ترتیب داده و بآن ضمیمه کرده بودم نزد دولت ایران فرستادم - و سواد مکتوبی که بموافقیت مسیو دوهارتویک بدولت ایران در جوف صورت قرار داد ارسال داشته ام لفاً حضور آن جناب تقدیم میدارم.

(امضا) سسیل اسپرینک رایش

مکتوب مستر مارلینک به سر ادوارد گری (وصول بیست و هشتم اکتبر)

از تهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

« ماه گذشته بهیچوجه در اوضاع عمومی ایران بهبودی حاصل نگردیده و « موافق اخبار واصله امنیت جان و مال در ولایات بااستثنای بعضی از آنها کمتر موجود « باشد. اقتدار مرکزی تقریباً معدوم و اختیارات بدست انجمنهای محلی افتاده که « هیچ اعتنائی بمرکز ندارند. »

« معیناً در پای تخت بیشتر امیدواری موجود است حزب تجدد خواه در « این وقت بطور تحقیق قوتش زیادهتر است تا يك سال قبل که مجلس تازه افتتاح شده « بود. حزب مزبور تمام فرقه مرتجعین را بطرف خود جلب نموده. »

« اطلاعات واصله از شهر های ولایات و ایالات بااستثنای معدودی از آنها « مبنی است بر اینکه امنیت جانی و مالی کمتر از سابق است در صورتیکه بی قانونی « عمومی در مملکت هنوز تخفیف نیافته اقتدار حکومت مرکزی تقریباً صفر باشد و اگر « هم اقتداری دارند فقط بتوسط انجمن محلی اعمال میشود و نفوذ دولت را در این « انجمنها نیز ثابت و دائمی نمیتوان دانست لیکن در پایتخت امیدواری قدری بیشتر « میباشد. فرقه تجددخواه در این ایام که يك سال تمام از تشکیل و افتتاح مجلس ملی « گذشته است البته قوت یافته اند و این فرقه در جلب تمام رآکسیونرها بطرف « خویشان کامیاب و مظفر گردیدند و ظاهراً میتوان فهمید که چون شاه در این موقع « جز معدودی از درباریان هیچ حامی و هوا خواهی ندارد خود را مجبور خواهد دید « که آن همه تمهیداتیکه بوسیله آنها میخواست اعتبارات مجلس را ضایع و عدم لیاقت « آنرا در اذهان مردم بگنجاند ترك نماید اشخاصیکه به جنبش ملی معتقدند بآتیه مملکت « اعتماد و اطمینان دارند. »

« دلیل اینکه مجلس تاکنون نتوانسته است اصلاحات عملی به نمایند مستند « باشکالاتی هستند که بآنها برخورد و دشمنان آنرا بسیار دانند میگویند نفوذ حکام « ولایات (بزرگان متنفذ) و شاه و بالاخره علما بایستی مضمحل شود تا آنکه آمال « ملت بر آورده و مقصودش حاصل گردد. این مقاصد را ملت بخوبی و مظفرانه بدست « آورد. حکام جابر ظالم مانند ظل السلطان و فرمانفرما و اصف الدوله معزول شده شاه تنها و بی « هوا خواه ماند. »

« گذشتن متمم قانون اساسی و مذاکرات راجعه به تحصن همانا به مجتهدین فهمانید که « اساس جدیدی البته خود را از قید نفوذ علما نجات خواهد داد - لیکن اشکالات وارده « بسی عظیم باشند - خزانه خالی است - استعدادی برای حفظ نظم و اجرای قانون « موجود نیست. »

« اقتدار و نفوذ معنوی اساس قدیم بواسطه انجمنهای محلی لغو بلکه منهدم « گردیده و مجلس نیز نمیتواند احترام و نفوذی برای خود ایجاد نماید « هیچ وزیری که لیاقت و کفایت تاسیس اساس و بنیان بنائی را دارا باشد مشهود نه «

« بوده و به نظر نمی آید.»

« مالیات در نهایت بی نظمی ایصال میگردد و حتی استخوان بندی مقدماتی .
 « اداری بطوریکه سابقاً بوده نیز در شرف انعدام است در حقیقت کار مجلس در سال اول
 « عمرش تماماً از قبیل برهم زدن و خرابی اوضاع قدیمه بوده و در موقع صاف کردن
 « زمین برای اوضاع تجدد و اصلاحات آتیه مصالح و مواد زیادیکه شایسته حفظ و
 « نگاهداری بودند از بین رفت - و بیم آنست که عمل تجدید اساس و بنا بطرز و طرح
 « حکومت ملی از حیز قدرت رؤسای تجدد خواه خارج گردد.»

« این علامت خوشی نیست که در کابینه جدید هر يك از وزرا جرئت قبول
 « و تعهد کوچکترین مسئولیت را ننموده و همواره منتظر دستورالعمل و حکم مجلس
 « است - نتیجه آنکه مجلس که در اوایل امر زیاده از حد امتنان داشت فقط همانا
 « در مسائل اداری معموله مداخله کند اکنون بآن اکتفا نکرده و وظایف اجرائیه را نیز
 « بعهده گرفته است - دو مسئله دیگر این پیش آمد را کمک و تقویت نموده یکی
 « حیثیت و شخصیت رئیس مجلس است که امروز در ایران مقتدرترین اشخاص میباشد
 « و دیگر تشکیل انجمن اکابر - ایجاد این هیئت نتیجه انجمن اعیان است که کناره
 « جوئی آنها از فرقه استبدادی اوضاع داخلی را بکلی تغییر داده - هیئت مزبور هر کب
 « است از مأمورین عالیه با برخی از صاحب منصبان نظامی در تحت ریاست امیر اعظم
 « و نواب رئیسی حسنقلی خان نواب - اگر حیثیت مقام رسمی را دارا نیست لیکن حق
 « مصلحت اندیشی با وزرا را در جریان امور وزارتخانه ها بخود نسبت میدهد - البته این
 « هیئت کاملاً غیر مسئول میباشد ولی نفوذ و حیثیت اعضای آن بدرجه ایست که رای
 « و مصلحت بینی آنها را نمی توانند مرعی ندارند نفوذ این هیئت کلیتاً تاکنون نافع بوده
 « اما بسهولت دیده می شود يك وزیر که قدری از وزرای کنونی با عزم تر باشد تحمیل
 « بزودی با این هیئت بمناقشه در آید - و از طرف دیگر مخاطره تصادف و منازعه آن هیئت
 « با مجلس شورای ملی چندان بعید بنظر نمی آید بهترین چیزیکه محتمل است نتیجه
 « این هیئت بشود - و ارباب ذکاوت نیز انتظار و امید آنرا دارند همانا تبدیل یافتن آن
 « هیئت بمجلس سناییکه در قانون اساسی مقرر گردیده.»

« مانع دیگری که در راه تجدد موجود است ترکیب خود مجلس باشد زیرا
 « اقلیت مختصری از اعضای آن فقط اطلاع مقدماتی از وظایف پارلمانی دارند و بقید
 « آن نمی تواند کتاب قانون مدون منظمی را هم فهم و ادراک نماید و این معنی بکلی خارج
 « از دایره تجربه آنها بوده و شاید عمل قانون گذاری را که تصور نمیکنند هیچوقت
 « بموقع اجرا گذارده شود فقط اتلاف و گذرانیدن وقت میدانند و در واقع پارلمان
 « را تبدیل به مجلسی می نمایند که مابین مجلس مباحثه دیوان عدلیه و شورای مملکتی باشد
 « جمعی هم مقام و کالت را فقط وسیله پیشرفت مقاصد و تحصیل منافع شخصی میدانند
 « امید آنست که بوسیله انتشار عقاید صحیحه راجع بحکومت ملی در انتخاب آتیه
 « مقنین دانانتر که کمتر خود پرست باشند انتخاب شوند.»

« نتیجه اعمال سال گذشته مجلس کلیتاً منفی بوده ولی لااقل در استقرار میل
 « و اراده در مقابل نفوذ و قدرت شاه و علما کامیاب گردیده و الحال میتواند امید
 « داشته باشد که قدم در راه تجدید بنای اساس بگذارد.»

(امضا) چارلس م مارلینک

مکتوب مستر مارلینک بسرا دوار دگری - (وصول ۲۸ اکتبر)

از قلهك دهم اکتبر ۱۹۰۷

آقا باکمال افتخار خلاصه وقایع عمومی ایران را که در ظرف چهار هفته گذشته
 اتفاق افتاده و بتوسط ماژور استوکس و مستر چرچیل تهیه آن شده ارسال حضور
 آن جناب میدارم.

(امضا) چارلس م مارلینک

قسمتی از مکاتوب مستر مارلینک بسرادوار دگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از تهران مورخه هشتم نوامبر ۱۹۰۷

« شدت هیجان سیاسی و یامذهبی در ماه رمضان عموماً بیشتر است و اینکه »
 « وقایع چهار هفته گذشته تماماً متصادف با این ماه گردیده هیچ جای تردید نیست که »
 « مدکثرت اغتشاش در سراسر مملکت ایران واقع شده است . »
 « افق سیاسی از همه وقت تاریک تر میباشد و من روشنائی که نوید کارهای »
 « بهتری را بدهد اشکار و هویدا نمی بینم . »
 « در ایالات همه روزه اوضاع بیدی منجر میگردد پیش آمد امور در شیراز »
 « چنان مخوف است که قنصل جنرال اعلی حضرتی مجبور شده است در افزایش مستحفظین »
 « خویش توصیه نماید در اصفهان و نواحی اطراف آن عدم قانون بشیوع پیوسته و کار »
 « گذاران محلی چنان بیقدرت وضعیفند که نمی توانند ویا نمی خواهند تهیه مستحفظین »
 « برای دودسته از مامورین تلگراف خانه هند و اروپائی بنمایند که متجاوز از یکماه »
 « است بازمانده اند از این که حرکت نموده تکالیف تفتیش را در امتداد خط تلگراف »
 « بعمل آورند و امروز عامل زیگلر بمن اطلاع داد که طبقه علما خیال فراهم »
 « آوردن ترتیبات تحریم و باقوت امتعه اروپائی میباشند در کرمانشاه خبر مراجعت »
 « سیف الدوله حاکم بیکفایت سابق باعث شده است که بی نظمی و اغتشاش تجدید یابد »
 « استرabad که مدت هفت ماه است بی حاکم مانده موقع غارت تراکمه واقع »
 « گردیده و منزل گاه خوفناک معروف بین مشهد و تهران میدان حملات وحشیانه »
 « این غارت گران یاغی شده است . »
 « دولت شاهنشاهی چنان بیقدرت است که نمی تواند جلو گیری از این »
 « اوضاع و رفع آن را بنماید نه پول موجود دارند و نه قشونی حاضر و بهمین جهت »
 « است که احکام و دستور اتشان را مامورین ولایات بحالت غیر اجرا »
 « باقی داشته اند . »

« در خود تهران در چند روز آخر ماه گذشته بواسطه هیجان عظیمی که در »
 « عزل شاه بوقوع پیوست اغتشاش شدیدی رخ نمود . »
 « اواخر ماه اکتبر کابینه جدیدی روی کار آمد که در تشکیل آن فقط »
 « مجلس مسئول است این کابینه روی هم رفته کافی ترین وزرائی را که از ابتدای »
 « طرح و ایجاد مشروطیت امور وزارت را اشغال کرده بودند مشتمل می باشد و بسی »
 « امید ها بایشان میرود . »
 « نطق های تازه مجلس ثابت میسازد که کابینه طرف اعتماد مجلس است »
 « ولی با وجود آن ضعف و بی کفایتی که حکومت سابق متصف بآن بود هنوز »
 « مشاهده میشود حتی ناصر الملک رئیس الوزرا مایل نیست که کوچکترین مسؤلیتی »
 « را بپذیرد مگر این که اطمینان حاصل کند که اقداماتش را مجلس تصویب خواهد »
 « نمود وزیر امور خارجه چندان بهتر نیست و انجام امور حتی در مسائل خیلی جزئی »
 « هم بی اندازه مختل مانده قوه مجریه نیز در یک حالت انحطاطی واقع است و نظر »
 « باوضاع مالیه ناچار استقراضی بعمل خواهد آمد خزانه خالی است و تا پول موجود »
 « نباشد که بیکمی از اقسام قشون معموله بپردازند اعاده نظم و امنیت بکلی غیر ممکن »
 « خواهد بود عقیده ناصر الملک این است که قشون حالیه را موقوف ساخته در عوض »
 « آن بیک میزان کمتری تشکیل ژاندار مری نظامی داده شود و بحتمل این مسئله »
 « با این اوضاع حاضره بهترین طرحها باشد زیرا من مطمئن هستم که اگر دولت ایران »
 « می توانست برای یک دفعه تنبیه کاملی بعناصر اغتشاش هر شهری بدهد این کار در »
 « قلوب اهالی سایر نقاط ایران مؤثر میگردد . »
 « آنچه بنظر می آید این است که لوازم مادی برای اداره کردن یک »
 « چنین قشونی که ذکر شد موجود نباشد و از همه گذشته پول ندارند عقیده ناصر الملک »
 « این است که بدون همراهی دولتین انگلیس و روس هیچ کاری از پیش نخواهد رفت »
 « و امیدوار است که دولتین مساعدت مالیه خواهند نمود من بجهت ایشان اظهار »
 « داشتم که قبل از دخول در هر اقدامی باید منتظر بود و تا وقتی که مسیویزوت وارد »
 « شده بمشورت مشارالیه مشغول کار شوند . »

مکتوب مستر مارلینک به سرادوردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از تهران مورخه ۷ نوامبر ۱۹۰۷

« باکمال افتخار خلاصه وقایع یک ماهه را که در ظرف چهار هفته گذشته

« اتفاق افتاده‌لفاً ارسال میدارم . »

قسمتی از خلاصه حوادث يك ماهه

تهران

« در بیست و ششم اکتبر کابینه جدیدی بتوسط مجلس تشکیل یافته وشاه»

« آنرا تصویب فرمود . اجزای این کابینه جدید از قرار ذیل است . »

« وزیر مالیه و رئیس الوزرا . . . ناصر الملک . جی . سی . ام . جی »

« وزیر داخله (که پست . تلگراف . بلدیه و پلیس وغيره منضم بآن وزارت»

« خانه گردید آصف الدوله »

« وزیر امور خارجه . . . مشیر الدوله . جی . سی . ام . جی »

« وزیر عدلیه
مخبر السلطنه »

« وزیر جنگ
مستوفی الممالک »

« وزیر معارف (بانضمام فواید عامه . معادن طرق و شوارع و جنگلهاو »

« غیره صنیع الدوله . »

« وزیر تجارت و گمرکات
مؤتمن الملک »

« آصف الدوله وزیر داخله تا بهار ۱۹۰۷ بفرمان فرمائی خراسان اشتغال داشت »

« چون متهم شده بود باین که در فروش زنان و اطفال ایرانی به تراکمه دخالت نموده »

« لهذا بامر مجلس از حکومت خراسان معزول شد . ویرا در دیوان خانه عدلیه حضور »

« شاه زاده فرمانفرما محاکمه نموده (بیگناهی و نداشتن تقصیرش) معلوم و رفع اتهام »

« از ایشان گردید . »

« مشیرالدوله پسر ارشد مشیرالدوله مرحوم است که لقب پدر خود را بارث »

« دارا گردیده و تا چندی قبل در پترسبورگ وزیر مختار بود . »

« مؤتمن الملک برادر کوچکتر وزیر امور خارجه مذکور است . »

« مخبر السلطنه و صنیع الدوله برادر میباشند و صنیع الدوله تا اوایل سپتامبر »

« بریاست مجلس بر قرار بود . »

« تمام اعضای کابینه با استثنای وزیر داخله از ایرانیان تجدد پروری هستند که »

« تحصیلات عالیه نموده و هر کدام يك یا دو زبان اروپائی را میدانند . »

مکتوب مستر مارلینک بسرادوردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از تهران بتاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

« آقا باکمال افتخار سواد مراسله وزیر امور خارجه را در جواب مکتوبیکه »

« سر اسپرینک رایس بدولت ایران ارسال نموده و در آن مکتوب صورت قسمتی از »

« قرار داد مورخه سی و یکم ماه اوت روس و انگلیس را راجع بایران نوشته بود »

« لفاً آنفاد حضور میدارم . »

« مفاد و سیاق مراسله مذکوره ظاهراً بکلی خالی از هرگونه منع و »

« اعتراض است »

(امضا) چارلس م مارلینک

ترجمه مراسله مشیرالدوله بمستر مارلینک

بتاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری (۲ نوامبر ۱۹۰۷)

مراسله آن جناب جلالتماآب مورخه پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ هجری مطابق

۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی که حاوی و متضمن سواد قسمتی از قرار داد منعقد بین

دولتین انگلیس و روس راجع بایران و مشتمل بر يك مقدمه و پنج ماده بود عز

وصول بخشید .

در جواب با کمال توقیر اظهار میدارم و خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالتماب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرار داد فوق الذکر چون ما بین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرار داد فقط تعلق بخود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده اند خواهد داشت و دولت ایران نظر باستقلال تامه که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است ازهر نفوذ و اثری که نتیجه هر قسم قرار داد منعقد فیما بین دو یا چند دولت دیگر راجع به ایران بوده باشد کاملاً و مطلقاً مصون و آزاد میداند . و در خصوص مناسبات و روابط دوستانه خود با دول متحابه برای تشدید و استحکام مبانی و داد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول در های باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهند نمود اما راجع بقروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ منقصتی تعهدات مربوط بقرار داد آن قرضه را مرعی خواهد داشت برای اطلاع از اصولی که در این مراسم توضیح و شرط شده سوادى از آن به نمایندگان دول که مامور مقیم دربار شاهنشاهی میباشند فرستاده میشود .

(امضا) مشیر الدوله

تلگراف سر نیکلسن بسراودگری (وصول یازدهم دسامبر ۱۹۰۷)

از سنت پترزبورغ بتاريخ ۱۱ دسامبر ۱۹۰۷

مسیو ایزولسکی مجدداً باوضع خطرناک تبریز عطف نظر و مراجعه نموده و بمن گفته است که قنصل روس برای حفظ و حراست خویش استعداد بالاضافه میطلبند جناب ایشان متحیرند که چه طریقه را در این خصوص اتخاذ کنند . آیا بایستی نمایش قوای نظامی در سر حد بدهد و یا فقط بیست و پنج نفر بر عده مستحفظین علاوه سازد اقدام اولی شاید ملاً منتج نتایج وخیمه گردد در صورتیکه اقدام ثانی ممکن است مکفی نبوده و تا اندازه موجب مخاطره شود وزارت جنگ و همچنین اداره ارکان حرب

متفقاً مخالف نمایشات نظامی در این موقع از سال میباشند .

تلگراف مستر مارلینک بسراودگری (وصول ۱۵ دسامبر)

از تهران . بتاريخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

« بی نظمی چنان رخ داده که اسباب خوف و هراس شده است . دیروز در »
 « یکی از مساجد عمده میتینگ عمومی تشکیل یافت و در سرزنش شاه و درخواست »
 « طرد و نفی مصلحت گذار و وکیل وی یعنی سعد الدوله و نیز امیر بهادر نطقهای »
 « آتشین ایراد نمودند »
 « هیئت وزراء استعفا دادند ولی شاه استعفای ایشانرا نپذیرفت امروز صبح »
 « جمعیت با هیجانی در خارج مجلس اجتماع داشتند اما عده از اشخاص مسلح بامر »
 « شاه بدانجا آمده و آنها متفرق شدند . کلنل لیاخوف درخواست مجلس را در فرستادن »
 « قزاق برای حفظ نظم رد نمود . »

مکتوب مستر مارلینک بسراودگری (وصول ۲۳ دسامبر)

از تهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۷

از راپورتی که مستر گرهم مصوب پست فرستاده معلوم شد که اوضاع شیراز بقدری سخت است از آن چه بواسطه اخبار تلگرافی معزی الیه تصور مینمودم که بدان واسطه فوراً در این موضوع مراسله مخصوصی بر رئیس الوزرا نوشته خاطر ایشان رامسبوق داشتم که جان و مال اتباع انگلیس در معرض مخاطره میباشد و فهماندم که حتماً لازم است علاءالدوله که بتازگی برای حکومت معین شده فوراً بمقرایالت خویش عازم گردد . تا اینکه از وقوع این گونه نزاع جلوگیری شود و نیز از آن جناب تمنا نمودم که تا ممکن است بهمین زودی وقتیرا برای ملاقات تعیین فرماید معیناً بواسطه بحران کابینه نتوانستم ایشان را ملاقات نمایم مگر امروز با وجود اینکه بمن مرقوم داشته

بودند که دولت آنچه را میتواند در استقرار نظم شیراز سعی و کوشش نموده است. امروز صبح ناصرالملک را در اوضاع تهران چنان غرق تفکر یافتیم که مشگل بود دقت ایشان را در امور شیراز معطوف بدارم ولی بالاخره گفتند که در همین یکی دو روزه امید است علاء الدوله بدانصوب عزیمت نماید این حاکم جدید منتهای بی میلی را برفتن آن ولایت داشت لیکن عاقبت بشرط داشتن اختیارات راضی بحرکت گردید. قوام الملک را همراه خویش خواهد برد و مختار است در صورتیکه لازم بداند استعداد سواره از بختیاری وقتی که باصفهان برسد و یا از ایلات فارس جمع آوری کند.

من بجناب ناصر الملک اظهار داشتم که مراجعت قوام الملک بفارس خطر عظیمی را تولید خواهد ساخت و گفتیم اگر آن تصویری که من در اشکالات و زحمات آنجا مینمایم صحیح باشد پس علاج در این است که قوام الملک و معتمد دیوان بادوسه نفر دیگر را از شیراز تبعید نموده و باهالی بفهمانند که دیگر بایشان اجازه مراجعت داده نخواهد شد جناب ایشان انکار نداشتند که این طریق بهترین طریق است ولی ملتفت شدم که دولت بقدر کافی آن قوه را در خود نمی بیند که باین کار اقدام نماید. و من گفتم این مسئله خیلی اسباب تاسف است لیکن از این بدتر همانا تصور نمودن سعی در اعاده نظم است بوسیله ایلات وحشی این گروه بکلی از تحت دیسیپلین و انتظامات خارج باشند و حتی اگر رؤسای ایشان اقدام کنند شاید باز نتوان آنرا از هرگونه تجاوز جلوگیری نمود

(امضا) چارلس م مارلینک

یادداشت مستر چرچیل راجع بجلسات مجلس شورای ملی ایران

از نهم نوامبر تا دویم دسامبر ۱۹۰۷

« مهمترین مطلبی که در مدت ماه منظور اتفاق افتاد تشریف فرمائی »
 « رسمانه شاه بود در ۱۲ نوامبر به مجلس ملی شاه زادگان منتسبین باسلطنت از جمله »
 « ظل السلطان و همچنین نمایندگان هر طبقه از قبیل صاحبان مناصب و روحانین »

« حضور داشتند برای حفظ جان شاه احتیاطات فوق العاده بعمل آوردند مراسم »
 « تشریفات تقریباً تا مدت نیم ساعت بیشتر بطول نیانجامید و بعد از آنکه طرفین »
 « آغاز به تهنیت نمودند و نیز آقا سید عبدالله مجتهد از طرف مجلس نطق نمود آنوقت »
 « رئیس مجلس قرآنرا با صورت قسمنامه مندرجه در ماده ۳۸ قانون اساسی مصوبه ۸ »
 « ماه اکتبر ۱۹۰۷ حضور شاه نهاد که بقید قسم تعهد نماید پس از آن رئیس تقاضای »
 « هورا برای شاه نموده و عموماً با آواز بلند فریاد شاه زنده باد کشیدند هیئت دیپلوماسی »
 « برای حضور در این مجلس دعوت نشده بود این نمایش اصلاح و آشتی موقتاً »
 « رنجش و تقاریب که مابین شاه و مجلس موجود بود تخفیف داد ولی بزودی از »
 « طرف کار گذاران شاه عملیات مناققت آمیزی تجدید یافت که بدان واسطه مردم »
 « بخشش و هیجان آمدند .

« در تاریخ ۱۷ نوامبر مباحثه طولانی راجع به بودجه بمیان آمد کمسیون »
 « مالیه مجلس صورتی از مخارج درباری که میزان آنرا به پانصد هزار تومان تخمین »
 « زده بود پیشنهاد کرد و در خصوص تخفیفاتی که در مواجب و وظایف ارباب حقوق »
 « که مبلغ آن در سال بالغ بر نهصد و نود هزار تومان میشد کمسیون مزبور »
 « اظهار داشت که مبلغ چهار صد و پنجاه هزار تومان آن از تخفیف یا »
 « موقوف داشتن سیزده نفر که از جمله آنها اتابک و مشیرالدوله مرحوم می باشد »
 « حاصل شده است .

« تقی زاده نطقی در خصوص عدم رضایت شاه و در باریان باین قرار داد »
 « نموده و اظهار داشت که اگر شاه باین ترتیبات بودجه موافقت ننماید مجلس »
 « مجبور خواهد گردید که صاحبان حقوق و اجزای در دربار را خود حقوق »
 « داده و پس از آن بقیه را که عبارت از سی هزار تومان خواهد بود تقدیم »
 « اعلیحضرت دارد .

« در چهاردهم نوامبر مسئله تعیین مسیو بیروت بسمت مستشاری مالیه »
 « مجدداً در مجلس باحضور وزیر مالیه مطرح مذاکره گردید و معزی الیه اصرار »
 « داشت که مجلس صورت کتراترا قبول نماید پس از مباحثات طولانی صورت مقاوله »

« نامه با اینکه رای گرفته نشد قبول گردید. »

« چون وضع بی نظمی مملکت بدتری یافت انجمنهای مختلفه متحداروز ۱۹ »
 « نوامبر عریضه بمجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه دراستقرار نظم نمودند »
 « و نیز مستدعی شدند که بشاهزادگان و اعیانیکه هر يك تعهد کرده بودند مبلغ »
 « معینی بپانك ملی اعانه بدهند فشار وارد آید که آنرا نقد بپردازند »
 « روز ۲۱ نوامبر از حالت و رفتار دو مجتهد بزرگ (اقاسید عبدالله و آقا »
 « سید محمد) استنباط میشد که عامه مردم هیچگونه رضایتی از روش مجلس در کارها »
 « ندارند. آقا سید محمد مجتهد در مجلس چنین اظهار داشت که ما از طریقه »
 « حکومت شوروی و سلطنت مشروطه بسی محسنات و تمجیدها شنیده »
 « بودیم اگر نتیجه آن اینست که مشاهده میشود پس هیچ فایده نخواهد داشت. »
 « آیا به تکلیف سلطنت است که مانع از بی نظمی شود؟ با این اوضاع کنونی »
 « امنیت جانی در این شهر غیر ممکن است. »

« در بیست و دویم نوامبر رئیس الوزرا با وزرای جنگ عدلیه و تجارت به »
 « مجلس آمدند و در موضوع رفورم و انتظام قشون مذاکراتی بمیان آمد در این »
 « خصوص هیچ رای قطعی حاصل نشد وای وزیر جنگ وعده داد که در ظرف يك »
 « هفته نقشه خود را در طریق رفورم قشون بمجلس تقدیم دارد در ضمن مباحثات »
 « بعضی مذاکرات از استقلال کلنل روسی فرمانده بریکاد قزاق گفتگو گردید رئیس »
 « مجلس گفت که جای آن دارد کلنل را بواسطه جنگ آزادانه ما بین قزاقهای وی »
 « و فوج سیلا خوری که دیروز اتفاق افتاده است ملامت نمود. »

« روز ۲۳ نوامبر عده از وکلارا برای تشکیل کمیسیونهای مختلفه از جمله »
 « کمیسیون وزارت امور خارجه که وظایف آن مشتمل بر نظارت در کارهای آن »
 « وزارت خانه و تحقیق در معاهدات قرار دادها و امتیاز نامها می باشد »
 « انتخاب نمودند. »

« دسایس کارکنان شاه مخصوصاً سعد الدوله که اوضاع فتنه و آشوب را تهدید »
 « میکرد چنانچه از هیجانهای مصنوعی اشخاص که مقرری آنها را کاسته بودند و »

« نیز منازعه قزاقها که در ۲۱ نوامبر با " فوج سیلا خوری " در پیوست واضح و »
 « مشهود آمده و موضوع مذاکرات با حرارتی در مجلس گردید که قسمت عمده »
 « اش را تقی زاده بیان نمود از تماشایان خواهش شد که از اطلاق جلسه خارج »
 « شوند و مجلس علنی را بخصوصی تبدیل داده و مذاکرات با حرارتی زیاد ترمداومت »
 « یافت کارکنان شاه را باسم نامبردند از جمله شاپشالرا که بسی و اهتمام وزیر »
 « دربار مقرب شاه گردیده است. و سعد الدوله و امیر بهادر را به آواز بلند زشت »
 « کار نامیدند و برخی از وکلا بشدت اصرار داشتند که آنها را بایستی از مملکت تبعید »
 « نمود. چون از رئیس الوزرا که حاضر بود سؤال شد ایشان گفتند که میدانند »
 « يك قوه در پرده بر ضد مجلس همی کوشش مینماید. خلاصه قرار چنین داده شد »
 « که روز دیگر جلسه خصوصی تشکیل یابد و کابینه وزرا حضور بهم رسانیده در »
 « خصوص این اوضاع مشغول مذاکرات شوند. »

« روز ۲۷ نوامبر جلسه خصوصی در مجلس انعقاد یافت لیکن وزرا دربار »
 « سلطنتی توقیف گردیدند رئیس مجلس اعلام نمود که شاه مایل است از طرف اعضای »
 « مجلس نماینده بحضور ایشان فرستاده شود لهذا ده نفر از مابین وکلای بدین سمت »
 « انتخاب شده بدربار سلطنت رفتند. »

« روز ۲۸ نوامبر در جلسه علنی دستخط شاه خطاب بنمایندگان که روز »
 « قبل شرفیاب حضور شده بودند قرائت گردید. اعای حضرت شاه لزوم تفکیک وظایف »
 « قوه مجریه حکومترا از تکالیف قوه مقننه مجلس اصرار فرموده و اوضاع بی نظمی »
 « اسف آمیز را که مملکت دچار آمده بسیار مهم شمردند و بالاخره تاکید داشتند »
 « که انجمنهایی که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله مینمایند و مخل آسایش »
 « عامه هستند بر چیده شوند و مسبوق گردانیدند که بوزرا نیز امر شده است آنها »
 « را موقوف و منحل سازند. مجلس بعد از آنکه با کمال دقت تعمق نمود که چه »
 « جوابی در مقابل فرمایشات شاه داده شود با مشورت مجتهدین بزرگ ابتدا اظهار »
 « تشکر از صدور دستخط مبارك اعلی حضرتی نموده سپس اطمینان میداد که مجلس »
 « هرگز مایل باختلاط وظایف هیئت مجریه با تکالیف اعضای مقننه نباشد کلیه سعی »

« و اهتمامش در وضع قوانین و نظارت در اجرای آنست اما راجع بموقوف داشتن »
 « انجمنها خاطر شاه را متذکر باصل ۲۱ قانون اساسی مصوبه هیجدهم اکتبر ساختند »
 « که مجامع آزاد است ولی قول دادند که نظامنامه برای رفتار آنها نوشته شود .

(امضا) جی بی. چرچیل



سلطان احمد شاه در بدو جلوس به سلطنت ۱۳۲۷ هجری

فصل بیست و ششم

در چگونگی روابط ایران و انگلستان

تشکیل مجلس شورای ملی و سلب اختیارات از دربار و محدود کردن قدرت وزراء نگرانی همسایه جنوبی را تا اندازه مرفوع نمود .

با تصدیق باینکه این اقدام برفع خود آنها بود ولی همه اذعان دارند منافع کلی برای ملت ایران را هم متضمن بود و در دنیای حاضر هیچ وقت نباید انتظار داشت که افراد عادی بدون جهت و سبب برفع یکدیگر قدم بر دارند چه رسد بآنکه دولتی بدون داشتن قصد و منظوری فقط بصرف افکار انسانیت دوستی وقت و قدرت خود را صرف منافع دولت یا ملت دیگری بنماید .

ملت ایران در این زمان (انگلستان) را فرشته آسمانی برای خود دانست . تمام عوامل آنروزی (مشروطیت) در جزئیات امور با آنها مشورت نموده صلاح خود و مملکت را در قبول نصایح آنها میدانستند .

(مظفر الدین شاه) فوت گردید و (محمد علی شاه) بتخت سلطنت ایران نشست . (مخالفت با مشروطیت شدت یافت) .

از يك طرف درباریان که دستهای آنها از اداره حکومت قطع شده بود و از طرف دیگر دولت (روس) نفوذ مسلم خود را با اصول جدید مشروطیت در خطر میدید . تهران مرکز رقابت علنی دو همسایه شد که از سالیان دراز این همچشمی را

با بکدیگر در طی لفافه‌ها مستور می نمودند.

با اینکه دولت انگلستان با اقدامات سیاسی خود در (سن پترزبورغ) موفق شد در کنار دریای بالتیک در بندر (روال) ملاقاتی بین دو تاجدار فراهم آورد و نیکلای دوم (۱) با ادوارد هفتم (۲) و سیاستمداران مملکتی مذاکراتی بعمل آوردند و مناطق نفوذ خود را در آسیای مرکزی که ایران هم جزو آن بود تعیین نمودند و نتیجه مذاکرات منتهی (بامضای قرار داد ۱۹۰۷) گردید. معذالک در رقابت و مسابقه سیاسی آنها در ایران فتوری حاصل نشد.

مردم ایران در این زمان تا قبل از افزایش قرار داد مزبور بطور عموم طرفدار انگلستان بودند.

روز اعلام این قرار داد بدولت ایران و اطلاع مردم از انعقاد آن را یک شکست سیاسی اجباری برای سیاست انگلستان در ایران آنروز باید محسوب نمود. در باریان و آن طبقه از مردمی که با سیاست انگلستان مخالف بودند موضوع را بانحاء مختلف تفسیر و توضیح مینمودند.

موافقین سیاست انگلستان هم وسیله دفاع نداشتند.

در میان عامه گفته میشد (ایران) را دولتین بین خود تقسیم نموده و یک منطقه کوچکی هم با اسم منطقه بیطرف قائل شده اند (منطقه حکومت شاه) = همین مذاکرات و تبلیغات موجب شد که دربارها قوت گرفته و (مشروطیت جوان) را ریشه کن نموده و آزادیخواهان را حبس و زجر و اعدام نمودند.

باز هم در موقع بستن مجلس قسمتی از آزادیخواهان توانستند خود را به سفارت انگلیس رسانده و از خطر محفوظ مانند.

متن تلگرافاتی که بین (محمد علیشاه) و پادشاه انگلستان رد و بدل شده موجود است و مدلل میدارد تا چه اندازه بسته شدن مجلس مخالف میل زمامداران

۱ - آخرین امپراطور روسیه از اولاد «رومانوف»

۲ - ادوارد هفتم پادشاه انگلستان پسر ملکه ویکتوریا «و برنس آلبرت» از خانواده «هانور» از شاهزادگان آلمان.

انگلستان و تا چه پایه حاضر (بمساعدت با آزادیخواهان آن زمان بوده) و از قدرت مطلقه که در دست دربار یا شخص واحدی باشد چه اندازه ناراضی هستند .
متن هر دو تلگراف در دسترس (مدعی العموم) بوده و با اطلاع محکمه می‌رساند.
تلگراف محمد علی شاه به ادوارد هفتم پادشاه انگلستان . نمره ۱۵۸

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینک

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸ تلگراف ذیل از طرف شاه در تاریخ ۲۶ شهر جاری برای اعلیحضرت مخابره شده است .
اخیر اقداماتی برای تنبیه بعضی مفسدین که بتحریک ظل‌السلطان میخواستند مرا از تخت و تاج و جقه موروثی خود محروم سازنده نموده ام. من با ترتیبی که فراهم نموده بودم مخالفتی نداشتم ولی از طرف دیگر مفسدین چنان باعث اغتشاش مملکت شده بودند که دولت و وکلای مجلس شوری (مجلس ملی) کاری از ایشان پیشرفت نمی نمود بنا بر این من اقدامات برای تخویف و تنبیه مفسدین نمودم
من کمال تأسف را دارم از اینکه در چنین موقع مهمی شارژدافر اعلیحضرتی (بترغیب مستر چرچیل و ماژرا ستوکس آتاشه نظامی) غلامهای خود را که از اعضای انجمنهای مفسد میباشد فرستاده و مفسدین را بسفارت دعوت کرده اند این مسئله دخالت آشکار در امور داخلی ایران است شکی نیست که اگر بجای این شارژدافر یک سفیر باتدبیر عاقلی در تهران بود مثل سفرای دیگر البته در سفارتخانه آن اعلیحضرت را مثل سایر سفارتخانه های تهران میبست و آنها را نمی پذیرفت و در تحت این اوضاع من بطور غیر رسمی (دوستانه) از آن اعلیحضرت تمنا دارم برادر خوب محترم من شارژدافر را از اینکارها باز داشته سفیر کاملی بفرستید اعلیحضرت در انظار عامه مردم پناهگاه اشخاص بدعمل و شریر جلوه گر نشود و از ارسال جواب مساعد آن اعلیحضرت بی اندازه متشکر و ممنون خواهم شد .
(شاه)

متن تلگراف ادوارد هفتم پادشاه انگلستان که توسط وزارت خارجه انگلیس و سفارت انگلستان در تهران در جواب محمد علی شاه مخابره شده است .

تلگراف سر ادوارد گری بمستر مارلینک

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸
لطف نموده ترجمه تلگراف ذیل را که از طرف اعلیحضرت بعنوان شاه مخابره شده تقدیم نموده سواد آنرا نزد وزیر امور خارجه بفرستید .
تلگراف ۲۶ شهر جاری اعلیحضرت شما واصل گردید من بیچوجه من الوجوه میل نداشتم و منافعی برای خود در نظر ندارم که در امورات داخلی مملکت شما دخالت نمایم و امید وارم شما در آن مملکت از روی (عدالت و انسانیت سلطنت خواهید فرمود) کسیرا به تحصن در سفارت تهران دعوت نموده ایم و اگر چه بعضی (از رعایای شما از ترس جان خود خواسته اند در آنجا پناهنده شوند) اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستید در مملکت شما مرسوم نیست که از پناه دادن باشخاصی که مقصر جنحه و جنایات نباشند امتناع شود و آنهایکه فعلا در سفارت من میباشند همینکه تائینات صحیحه داده شود از آنجا خارج خواهند شد اینکه در تلگراف آن اعلیحضرت اظهار شده که (شارژدافر من مفسدین را بسفارت دعوت نموده بکلی مغایر باحقیقت است) چون او بر حسب عادات معموله آن مملکت عمل نموده و مردم را بتحصن در آنجا تشویق و تحریص ننموده است (اعمال عساکر شما که سفارت مرا محاصره نموده و اشخاصی را که بیرون میامدند دستگیر میکردند توهینی است که نمیتوان تحمل آنرا کرد و هرگاه اقدامات فوری برای انتها دادن باین اوضاع بعمل نیاید من و دولت من از روی بی میلی . مجبور خواهیم گردید که اقدامات برای حفظ شئونات بیرق خود بنمائیم . من بقطان و حسن نیت (شارژدافر) خود از هر حیث اعتماد دارم بدبختانه متجاوز از دو سال است که ایران در لندن سفیری نداشته که وزیر امور خارجه من با او در باب مسائلی که مربوط بمناسبات دو مملکت است مذاکره نماید اگر چه در ماه

اکتبر ۱۹۰۸ من تعیین سفیر جدیدی را که شما انتخاب نموده بودید قبول نمودم و از قرار مفهوم او هنوز در برلن است.

ادوارد

تلگراف مستر مارلینک به سرادوار دگری

(واصله ۶ ژوئیه)

« تهران ۵ ژوئیه ۱۹۰۸ شاه تمام تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول می‌کند ولی »
 « در باب تقاضائی که بر حسب ماده ۴ شده آن اعلیحضرت می‌خواهد چند نفر از بستیها »
 « از مملکت اخراج شوند عده آنها از سه یا چهار متجاوز نخواهند بود . »
 « گمان می‌کنم موافقت با میل شاه باعث رفع علل محتمله اشکالات آتیه »
 « خواهد گردید مدت غیاب این اشخاص از ایران گمان می‌کنم بیک سال باید محدود »
 « شود و این طور باید شرط شود که هر يك از اینها تا زمانیکه از هر گونه اقدامی »
 « بر علیه شاه احتراز کنند در مراجعت پس از انقضای مدت مرقوم کسی مزاحم او »
 « نخواهد شد آنهایی که قبل از انقضای این مدت مراجعت کنند البته خود مسئول »
 « خطرات وارده خواهند بود هر گاه يك مدت معینی برای آن قرار داد نشود متحصنین »
 « محکوم به نفی ابدی خواهند شد . »
 ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرایطی که بالاخره مابین دو دولت
 « بر قرار شود امتناع ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت پلتیکی »
 « خود قرار دهند بخروج از آنجا مایل نباشند هر گاه اشخاص مذکور را بدولت »
 « ایران تسلیم نمائیم تاثیر آن در ایران ماغیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات »
 « شما در این باب خوشنود خواهم گردید . »
 « وزیر امور خارجه سوادى از مضمون ترضیه را که بناست بخواد قبلا »
 « بمن ارائه خواهد نمود که تصویب کنم . »
 « اگر اعتراضی ندارند من خشنود خواهم بود که با میل جناب معظم الیه »
 « در خصوص اینکه ایشان و نماینده شاه علیحده ترضیه بخوانند موافقت نمایم جناب »
 « معظم الیه از ابتدا تا انتهای این امر کوشش داشته اند که بامن همراهی کنند و من »
 « می‌خواهم ایشان را باین وسیله ممنون سازم . »

بعد ها آنچه توانستند در انقلابات استبداد سفیر نمایندگان رسمی انگلیس با آزادی خواهان کمک نمودند و در تجدید مشروطیت مساعدت کردند .

همان روز های اولیه (انفصال مجلس اول) میلیون را سفارت انگلیس پناه داد و در جزو میلیون آن زمان کسیکه همیشه مدیون مساعدت انگلستان است و اگر باو کمک نمیشد حتماً تلف می‌گردید (سید حسن تقی زاده) است .

مشارالیه در سفارت انگلیس پناهنده شد و با مساعدت آنها از تهران خارج و بارو پارفت و بعد ها این شخص مکرر در صحنه سیاست ایران دیده شده است . اسنادی را که مدعی العموم از منابع رسمی دولت انگلیس و روسیه در دسترس محکمه می‌گذارد جمله حکایت می کنند که دولت انگلیس برای منافع مستعمرات قاره آسیا تا حد امکان از تجاوزات جهانگیری روسیه تزاری مخالفت بعمل آورد و باید تصدیق کرد که این اقدامات اگر چه بمنظور نفع امپراطوری بریتانیا بود ولی ملت ایران هم از آن سهم و بهره برد و بالاخره با کمک های آنها اساس حکومت محمدعلیشاه بر هم خورد و تهران از طرف قوی ملیون فتح گردید .

اطلاع از این اسناد برای عامه ملت ایران لازم است . در این مراجعات مختلف ما برمی خوریم باشخصیکه از بدو مشروطیت در این رستاخیز همراه بوده ، استفاده ها کرده و نتیجه ها برده و بعضی از آنها هم در برابر محاکمه امروز در صف متهمین جای دارند و کسانیکه آنروز در برابر استبداد محمد علیشاه خود را سد و مانعی نشان میدادند در مقابل استبداد طولانی نه تنها کمر خم نمودند بلکه خود دامن زن فجایع گردیدند و این اسناد اگر چه بظاهر ما را از رشته محاکمه بدور میدارد ولی در واقع جزو ادعا نامه محسوب است و قضات محکمه عالی باید با علم و احاطه بان نظر خود را ابراز دارند .